

موضع رهبر انقلاب درباره جلسه سران قوا نشان داد اولای این جلسه محدود به چند مورد خاص بوده و ثانیا هدف جلسه هماهنگی کلی است نه جایگزینی شأن سیاستگذاری مجلس

فرصت بازسازی جایگاه مجلس

ارز ترجیحی قرار بود در اواخر سال گذشته محقق شود، علی‌رغم اینکه اخبار زیادی مبنی بر اجرایی شدن طرح کالابُرگ الکترونیکی مطرح شده هنوز درمورد چگونگی بهره‌مندشدن مردم از این طرح اطلاع‌رسانی دقیقی صورت نگرفته و بسیاری از مردم جزئیات آن را نمی‌دانند. درنتیجه این عدم اطلاع‌رسانی قشر زیادی از مردم هنوز به جای کالابُرگ بارانه نقدی دریافت کرده و بار توری کالاهای اساسی را متحمل می‌شوند. روبه‌ای که به‌لحاظ مالی به‌نفع دولت تمام شده و این شائبه را به‌وجود آورده که شاید این امر مانع اطلاع‌رسانی شفاف به مردم درمورد شیوه‌های استفاده از کالابُرگ الکترونیکی شده است. با مرور تجربه تصمیمات شورای عالی اقتصادی درمورد بنزین و ارز ترجیحی طبعاً باید به منتقدان حق داد که نسبت به سایر تصمیمات این شورا ازجمله لایحه مولدسازی دارایی‌های دولت نیز ابراز نگرانی کنند؛ لایحه‌ای که برخی بندگان آن ازجمله موقوف‌الاجرا شدن قوانین متضاد با آن و نیز مصونیت قضایی مجریان محل انتقاد قرار گرفت. انتقادی که سابقه خصوصی سازی‌های بی‌ضابطه‌نشان می‌دهد باید آنها را با دقت مورد توجه قرار داد و نگرانی منتقدان را محترم شمرد. به‌هرحال این تصمیم نیز در شورای عالی اقتصادی سران قوا اتخاذ شده و طراحان و مجریان آن باید نسبت به نتایج آن خود را مسئول بدانند و آماده پاسخگویی باشند.

وظایف شورای عالی اقتصادی نیز باید مورد سوال قرار گیرد

عدم تعیین مسئولیت برای هر ساختاری باعث میشود تا امکان پاسخگو کردن آن نهاد نیز سلب شود اما اگر به‌طور دقیق تعیین مسئولیت کرد طبعاً میتوان نسبت به کم کاری‌ها و نواقص احتمالی نیز مطالبه نمود. تصویری که از شورای عالی اقتصادی سران قوا در اذهان وجود دارد این است که این شورا صرفاً با هدف تسریع فرایند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تشکیل شده است حال آنکه وظایف دقیقی نیز برای این شورا تعیین شده و رهبر انقلاب به‌طور خاص در جلسه با دانشجویان اصلاح ساختار بودجه را مورد اشاره قرار داده‌اند. تعیین وظایف مشخص برای شورای عالی سران قوا به این معنی است که اعضای شورا نسبت به کاستی‌های موجود در مسیر انجام وظایف خود نیز پاسخگو باشند و مورد سوال قرار گیرند. طرح چنین سوالاتی البته نیاز به آگاهی نیز دارد و توقع می‌رود نمایندگان مجلس که برخی از آنها بارها نسبت به تصمیمات شورا موضع‌گیری کرده‌اند در باب وظایف خود نیز کسب آگاهی کرده و از سران قوا طرح سوال می‌کنند. چرا که البته تماس خبرنگار فرهیختگان با برخی از اعضای کمیسیون اقتصادی نشان داد وجود نداشته و نمایندگانی که نسبت به ماهیت شورا عالی انتقاد دارند حتی نسبت به چهار وظیفه این شورا که توسط رهبر انقلاب نیز مورد اشاره قرار گرفت نیز اطلاع کافی ندارند.



شورا می‌پردازند. اشاره روز سه‌شنبه رهبر انقلاب مبنی بر اینکه این شورا آنطور که باید در مسیر رسیدن به اهداف خود پیشرفت نداشته، نشان‌دهنده وجود نواقص و ایرادها زیادی در ساختار تصمیم‌گیری و محتوا تصمیمات است. این ایرادها زمانی رفع می‌شود که در بوته نقد دلسوزانه قرار گیرد و اگر با اظهارات غیرمستدل و متعصبانه باب انتقاد بسته شود، طبعاً امیدی به اصلاح روبه‌هاتر نیز نمی‌توان داشت و تکرار تصمیمات روز جمعه‌ای همچون گرانی بنزین بدون توضیح به مردم دور از انتظار نیست. تصمیماتی که اعتراضات مردم را در پی آورد و بهانه‌ای شد برای بسترسازی آشوب توسط دشمنان داخلی و خارجی کشور. هزینه‌ای که اتفاقات سال ۹۸ به کشور تحمیل کرد، نشان می‌دهد باید نسبت به تصمیمات اتخاذی در نهادهای مختلف حساس بود به‌ویژه اگر چنین تصمیماتی در سطوح کلانی در سطح سران قوا گرفته شود. بعد از ماجرای گرانی بنزین مساله تصمیم‌گیری درمورد حذف ارز ترجیحی دومین ماجرای بود که در فضای افکار عمومی التهاباتی را برانگیخت و منتقدان را نسبت به اینکه حذف یکباره این ارز منجر به افزایش تورم خواهد شد، نگران کرد. دولت در پاسخ به این نگرانی وعده دادن کالابُرگ الکترونیکی را داد تا منتقدان را به جلوگیری از اثر توری حذف ارز ترجیحی بر معیشت مردم قانع کند. وعده‌ای که با گذشت نزدیک به یک‌سال از حذف

حضور سران قوا برگزار می‌شد خطاب به آنها متذکر شده بودند که باید برای حل برخی مسائل کلیدی اقتصاد مانند مشکلات نظام بانکی، نقدینگی، اشتغال، تورم و فرآیند بودجه‌ریزی باید تصمیم‌های جدی و عملیاتی بگیرید. مطابق با آنچه در متن بیانات آمده شورای عالی اقتصادی برای موارد خاص تشکیل شده و حق اینکه در موارد مختلف با نیت دور زدن سایر ارکان حاکمیت رو به تصمیم‌گیری بی‌ضابطه بیاورد نداشته و باید این امر را تشریح کند که بر دین هر کدام از تصمیمات به جلسه شورا به چه دلیلی بوده و چه نسبتی با اهداف تشکیل شورا دارد، در غیر این صورت طبعاً سایر نهادهای تصمیم‌گیری همچون مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام حق معترض شدن نسبت به رویه اتخاذ شده را داشته و کسی نباید با این توجیه که شورای عالی اقتصادی توسط رهبری تشکیل شده این حق را از آنها سلب کند و از پاسخگویی به افکار عمومی طفره برد.

کسی نمی‌تواند پشت انتصاب رهبری مخفی شود
فارغ از بحث‌های فنی هر زمان انتقادی نسبت به تصمیمات سران قوا مطرح می‌شود گروهی از افراد با این توجیه که تشکیل این شورا جزء شرح وظایف رهبری است باب انتقاد را مسدود می‌کنند و گاهی بدون هیچ استدلالی به توجیه تصمیمات

باعث می‌شود نهادهای مثل مجلس به لحاظ کارکردی تا حد زیادی زیر سوال رفته و بهارستان نشینان شورای اقتصادی سران قوا را نهادهای موازی با خود تلقی کنند.

شأن ورود شورای عالی اقتصادی سران قوا
یکی از ابهاماتی که همواره درمورد شورای عالی اقتصادی سران قوا مطرح می‌شد، این بوده که آیا شورا صرفاً برای امور خاصی تشکیل شده یا اعضاء در هر مساله‌ای که تشخیص دهند می‌توانند جلسه تشکیل دهند و بدون ارائه طرح و لایحه به مجلس تصمیم‌گیری کنند. عدم شفاف‌سازی درمورد این مساله باعث می‌شود بسیاری از نمایندگان معترض شوند و شورای عالی اقتصادی را نهادهای موازی تلقی کنند که سران قوا هر وقت نیاز به دور زدن نمایندگان است از آن استفاده می‌کنند. چنین تلقی‌ای باعث می‌شود مجلس کارکرد خود را از دست بدهد. رهبر انقلاب در دیدار روز سه‌شنبه با دانشجویان در پاسخ به این ایراد تکلیف‌شورا را موارد خاص عنوان و از اصلاح ساختار بودجه به‌عنوان یکی از همین مقاصد یاد کردند. اگرچه رهبر انقلاب سایر موارد خاصی را که هدف تشکیل شورا عالی اقتصادی است در این دیدار یادآور نشدند اما می‌توان با رجوع به بیانات پیشین ایشان موارد احتمالی را حدس زد. رهبر انقلاب در جلسه‌ای که ۱۹ مهر سال ۹۶ با

از زمان تاسیس شورای عالی اقتصادی سران قوا تاکنون تصمیمات جنجالی زیادی در این شورا گرفته شده است؛ تصمیماتی که مردم غالباً آن را با کلیدواژه‌های گرانی بنزین، حذف ارز ترجیحی و مولدسازی دارایی‌های دولت به‌خاطر می‌آورند. هر یک از این تصمیمات در فضای افکار عمومی واکنش‌های زیادی ایجاد کرده و منتقدان بسیاری فارغ از محتوای جنجال‌برانگیز تصمیمات شورای عالی اقتصادی سران قوا تصمیمات این شورا را باعث جلوگیری از ایفای نقش صحیح مجلس عنوان می‌کنند؛ چرا که در آن طرح‌ها و تصمیمات بسیاری بدون نیاز به آرای نمایندگان اتخاذ می‌شود. این ایرادها در دیدار روز سه‌شنبه رهبر انقلاب با دانشجویان نیز مورد اشاره قرار گرفت و یکی از دانشجویان ضمن توصیف کردن شورای عالی سران قوا به‌عنوان سیاست غلطی که هنوز روی آن فشاری می‌شود گفت: «تصمیم‌گیری درباره برخی مسائل مهم کشور در شورای سران قواست. این شورا جهت هماهنگی قوا برای مقابله با جنگ اقتصادی شکل گرفت، اما عملیات تبدیل شد به محفل قانونگذاری چندنفره و بس‌تری به وجود آورد برای دور زدن مردم، ساختارهای رسمی و محفلی کردن حکمرانی. مرور عملکرد این شورا حاکی از این است که شورا نفع‌ها تاکنون در اجرای مأموریت‌های اصلی خود موفق نبوده، بلکه باعث شکل‌گیری بحران‌هایی مثل اتفاقات آبان ۹۸ هم شده که هزینه‌هایی غیرقابل محاسبه برای کشور به‌وجود آورده. با این وجود، اما این شورا تعطیل که نمی‌شود هیچ، بلکه در آخرین شاهکار، در مصوبه مولدسازی، علاوه بر مجلس قوه قضائیه را نیز دور می‌زند.» رهبر انقلاب در پاسخ به این انتقاد بیان داشتند: «درمورد جلسه اقتصادی سران قوا، اولاً این یک امر دائمی نیست، یک امر موقت است؛ ثانیا برای مقاصد خاصی است؛ من چهار مورد را معین کردم و به آنها گفتم: یکی مساله بودجه است؛ تنظیم بودجه و اصلاح ساختار بودجه که یکی از مشکلات بزرگ ما همین مساله ساختار بودجه است و سه مورد دیگر؛ هدف این جلسه این بوده. البته تا حالا آن‌طور که باید و شاید پیش نرفته، اما تلاش تعطیل کردن نیست؛ تلاش این است که ما دنبال کنیم تا این کارها انجام بگیرد. بعضی از مسائل هست که اشکالش در عدم توافق مسئولان سطوح بالا است؛ خب این را چه جوری حل کنیم؟ حلش به همین است که بگوییم دور هم بنشینید بحث کنید و یک تصمیم واحد بگیرید و اقدام بکنید؛ این [تشکیل شورا] ناشی از این است.» اظهارات رهبر انقلاب درمورد چرایی لزوم تشکیل شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا واجد یک نکته مهم نیز هست. اظهارات ایشان مبنی بر اینکه اهداف این شورا آن‌طور که باید و شاید پیش نرفته است این گزاره را مشخص می‌کند که عملکرد شورا از جهات زیادی قابل نقد است. همچنین اشاره به این امر که این شورا برای موارد خاصی تعیین شده شائبه این شورا را نیز مشخص کرده و این امر را شفاف می‌سازد که سران قوا نمی‌توانند به هر بهانه‌ای ارکان حاکمیت را نادیده گرفته و برای هر مساله‌ای رو به تصمیم‌گیری در این شورا بیاورند. امری که بی‌توجهی به آن

گفت‌وگو

همت قلی‌زاده، کارشناس مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

اعضای شورای هماهنگی سران قوا باید طبق وظایف قانونی خود به اصلاح ساختار بودجه کمک کنند

رئیس‌جمهور است که در این بین، مهم‌ترین کمک‌کننده محسوب می‌شود. در بحث مجلس که رئیس‌مجلس حضور دارد و درخصوص مباحث مرتبط با کنترل بودجه هم رئیس قوه قضائیه در این شورا حضور دارد. ما نیازمند ارتباطات حقوقی انحرافات و مغایرت‌های بودجه با بحث‌های قضایی هستیم. این مساله در کشور مغفول مانده است. یعنی مدیران و دستگاه‌ها خیال‌شان راحت است که هرکاری بکنند اتفاقی برایشان نمی‌افتد. درحالی‌که انحراف از بودجه، عملاً دست بردن بر بیت المال است. انحراف از بودجه به لحاظ حقوق دولتی یعنی دست بردن در بیت المال. بنابراین شورای عالی سران سه قوه که مهم‌ترین رکن در این خصوص رئیس‌جمهور است و مهم‌ترین وظیفه را دارد، باید هرکدام از منظر ظرفیت‌ها و وظایف قانونی دستگاه‌های خودشان به این روند کمک کنند. بنابراین طی یک فرآیند کارشناسی، باید بررسی عمیقی داشته باشند که اصلاً اصلاح ساختار بودجه یعنی چی؟ چرا بررسی بودجه دستگاه‌ها منتشر نمی‌شود. ما هرچه بودجه را به‌سمت شفافیت سوق دهیم کاراتر می‌شود. این کار رئیس‌جمهور است. این کار دولت است. کار مجلس هم این است که برای بودجه در مجلس سازوکاری طراحی کند که هرکسی به خودش اجازه ندهد بودجه را دستکاری کند که بتواند دور بعد رأی بیاورد. مثل امسال که انتخابات است. ما در بودجه ۱۴۰۳، قطعاً دچار مشکل خواهیم شد و به تبع آن در تمام دولت. این یک رویه است. چرا؟ چون انتخابات است و نماینده‌ها باید دیده شوند و سروصدا کنند. در صورتی‌که نسبت به اهداف و راهبردهای کلان بی‌توجهند. بنابراین مجلس باید به یک سازوکار در این باره برسد. البته سازوکار مستقلی برای بودجه ندارد ولی بودجه‌ریزی در آیین‌نامه مجلس تعریف شده است. اساساً من معتقدم به دلیل اهلیت این سند باید یک سند مجزا و یک آیین‌نامه مجزا لایتنیر، خوب، با کیفیت و محکم برای بررسی فرایند بودجه با کمک اساتید دانشگاه و خبرگان تهیه شود.

این از بحث مجلس. درباره قوه قضائیه هم می‌توان گفت نباید فقط به بررسی‌های موردی و گزارش‌های موردی در حوزه عملکرد دستگاه‌ها ورود کند. باید به‌صورت سیستماتیک به میزان انحرافات وصل شود و بر آن نظارت داشته باشد. البته بدون اینکه قدرت بررسی انحرافات زمینه اعمال دخالت در نظام برنامه‌ریزی را برایش ایجاد کند، باید این بررسی را داشته باشد. در کشور از این موارد زیاد دیده‌ایم. و میزانی تعیین کنند که اگر مغایرت‌ها از آن میزان یک حدود و درجاتی بالاتر رفت، به قوه قضائیه ارجاع داده شود. مدیر باید در چهارچوب قوانین حرکت کند. این چیزی است که به ذهن من می‌رسد.

سازمان از مسیر صحیح خودش منحرف می‌کند. شمایک دفعه می‌پنید مثل بودجه سال ۱۴۰۱، لایحه رفت مجلس، یک چیز دیگری بیرون آمد (همیشه همین بوده). زور دولت هم که بر اساس ضوابط حقوقی به مجلس نمی‌رسد، گویی مجلس خودش بودجه می‌ریزد. بودجه‌ریزی از وظایف مجلس نیست. مجلس قرار است بررسی و تصویب کند، نه بررسی، تغییر و تصویب کند. در قانون اساسی وظیفه مجلس، بررسی و تصویب است. بررسی می‌کند و اگر تصویب نکرد، به دولت باز می‌گردد. بنابراین، موضوع پرداختن به اصلاح ساختار بودجه ایجاد گوناگونی دارد. این که مثلاً ما به کشاورزی بودجه دادیم، به نفت بودجه ندادیم این اساساً اصلاح ساختار بودجه نیست. تغییر فرم‌ها و دو ستونه کردن و چند ستونه کردن هرچند می‌تواند مفید باشد اما یک تغییر شکلی بود نه تغییر ماهوی. همان‌طور که دیدیم الان هیچ اتفاقی هم نیفتاده است. در مجموع می‌توان گفت بعد از آنکه اصلاح ساختار مقدماتی که صورت گرفت باید ببینیم از بین‌بازگراکن اقتصاد ما، کدام یک قوی هستند و نسبت هر کدام با سازمان برنامه و بودجه چیست و چه فرآیندهایی برای بودجه گرفتن و پاسخگویی دارند. مهم‌ترین آن به‌نظم مربوط به بخش نفت است. اساساً بخش نفت از نظام برنامه‌ریزی راه‌شده است. همین دوشنبه در دانشگاه علامه طباطبائی ارائه‌ای داشتم، اولین بحث، اصلاح ساختار بودجه بود. اولین بحث را اصلاح ساختار بودجه شرکت ملی نفت می‌دانم. حاکمیت باید یک روزی به این بپردازد. شرکت ملی نفت به عنوان یک دولت سوم و یک دولت مستقل دارد در این کشور کار می‌کند. اساساً خود را موظف به پاسخگویی نمی‌داند و در آنجا دارد ده‌ها و شاید صدها هزار میلیارد تومان پول جابه‌جایی می‌شود. مجموع اینهاست که باید مورد توجه قرار گیرد. من سعی کردم سرنخ‌ها را به شما بدهم تا بشود گفت به چیزی می‌گوییم اصلاح ساختار بودجه. تلاش‌های زیادی می‌شده و هرکس از ظن خود شایر من، هرکدام اقداماتی را از زاویه دید خود انجام دادند و بعضاً به جای اصلاح، به سازمان برنامه آسیب هم زدند. به جای اینکه بگویند فلان کارشناس محکم است، پاکدست است، شفاف مقاله می‌نویسد، تحلیل می‌کند متأسفانه به او یک انگ می‌زنند و به همین بهانه می‌گذارندش کنار. به جای‌ش یک کارشناسی می‌آید که به همه بله بگوید و اصلاً نفهمد فضای بودجه‌ریزی در این سازمان به چه صورت است.

وظایف و اختیاراتی که شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا با محوریت پیگیری آنها تشکیل شد و هر یک تحت تأثیر مسائل مربوط به فضای بودجه کشور بود، چه مواردی را شامل می‌شود؟

عملکرد شورای عالی سران قوا می‌تواند در همه این موضوعاتی که به آن اشاره کردم اثرگذار و کمک‌کننده باشد. یکی از بحث‌هایش اختیارات و وظایف

این سازمان تحت فشار قرار گرفته و در شرایط وفور درآمدی کنار گذاشته می‌شود. این یعنی فهم صحیحی از سازمان برنامه وجود ندارد.

در چنین شرایطی، در بازه بلندمدت، چه تهدیدهایی را متوجه سازمان برنامه بودجه می‌دانید؟

زمانی که ماهیت کار کارشناسی این سازمان از بین برود تبدیل به یک سازمان دستوری مثل دستگاه‌های اجرایی می‌شود که از بالا به آن دستور بدهند به چه کسی پول بدهد و به چه کسی پول ندهد. سازمان اگر به این مرحله برسد، اصلاً نباشد بهتر است. اگر اینچنین شود دیگر سازمان برنامه نیست. سازمان برنامه واقعی جایگاه خاصی دارد. کارشناسان سازمان برنامه باید متفکر باشند. باید آزاداندیش باشند. باید تحلیلیگر باشند. باید قلم به‌دست باشند و از دغدغه‌های بومی‌ها باشند که بتوانند فکر کنند. آیا امروز چنین جایگاهی وجود دارد؟ یک زمانی می‌گفتند مدیران کل وزارت‌ان‌ها دوست داشته‌اند بیایند کارشناس سازمان برنامه شوند.

تاریخ برنامه‌ریزی را که مرور می‌کنیم می‌گویند ابتهاج، رئیس یکی از ادوار سازمان برنامه قبل از انقلاب، رفته بوده برای کارشناسان سازمان برنامه درخواست دستمزد در سطح وزرا کرده بوده که گویا هیأت وزیران آن را رد می‌کنند و این موجب قهر ابتهاج می‌شود. شاه او را می‌خواهد و جویا می‌شود دلیل قهر او چه بوده و ابتهاج هم استدلال می‌آورد و نهایتاً مصوب می‌شود. شما اگر روزنامه دنیای اقتصاد پس از انقلاب را مطالعه کنید، یک زمانی ستونی داشت که در آن خاطرات کارشناسان سازمان برنامه را منتشر می‌کرد. چون تنها نهادی بود که کارشناسان خاصی به آن جذب می‌شدند که اولین ویژگی‌شان پاکدست بودن، باسواد بودن، میهن‌دوست بودن و یک‌سری ویژگی‌های خاص دیگر بود. اینها با وزرای مملکت جلسه می‌گذاشتند. هم قبل از انقلاب و هم بعد از انقلاب این مساله جریان داشته. کارشناس تحلیل علمی‌اش را انجام می‌دهد و نباید تحلیل علمی‌اش، دستخوش سلیقه سیاسی مدیران شود. این موضوعاتی است که دیده نمی‌شود و در دانشگاه وجود ندارد. موضوع بعدی مربوط به محیط‌هایی بیرون از سازمان برنامه است. محیط‌های پس از سازمان برنامه و محیط‌های قبل از سازمان برنامه. با رئیس‌جمهور تماس بگیر، با معاون اول تماس بگیر، روابطی ایجاد کن که به سازمان برنامه فشار بیاورند تا بودجه را بدهد. از آن سمت هم شاهد این هستیم که نمایندگان برای شهر خودشان بودجه را به هم می‌ریزند. این یک بحث فنی است و محیط‌های پیش‌کرانه و پس‌کرانه سازمان برنامه را هم مورد توجه قرار می‌دهد. سازمان برنامه نباید تحت فشارهای سیاسی باشد. نمی‌گویم نمی‌تواند باشد اما در حال حاضر میزان دخالت‌های سیاسی در سازمان برنامه به شدت بالا است. به گونه‌ای که این

رهبر انقلاب در دیدار روز سه‌شنبه خود با فعالان تشکل‌های دانشجویی، در پاسخ به سوالاتی که درباره «شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا، مطرح شد گفتند: من چهار مورد را معین کردم و به آنها گفتم: یکی مساله بودجه است؛ تنظیم بودجه و اصلاح ساختار بودجه که یکی از مشکلات بزرگ ما همین مساله ساختار بودجه است و سه مورد دیگر هدف این جلسه این بوده. البته تا حالا آن‌طور که باید و شاید پیش نرفته، اما تلاش تعطیل کردن نیست؛ تلاش این است که ما دنبال کنیم تا این کارها انجام بگیرد.» به همین بهانه و با هدف بررسی دلایل عدم موفقیت «شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا، در تحقق اهداف تعیین‌شده و همچنین بررسی ظرفیت‌های این شورا در زمینه اصلاح ساختار بودجه با همت قلی‌زاده کارشناس مسائل اقتصادی گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه آن را می‌خوانید.

۱۱۱

مهم‌ترین مانع اصلاح ساختار بودجه را چه چیزی می‌دانید؟

بحث بودجه‌ریزی مطابق اصل ۱۲۶ از وظایف شخص رئیس‌جمهور است که می‌تواند به یکی از معاونان خودش تفویض کند. این وظیفه را اگر از رئیس‌جمهور بگیریم ماهیت قانون اساسی از بین می‌رود. ریشه اصلی ایرادات ساختاری بودجه در سازمان برنامه بودجه و عدم شناخت نسبت به جایگاه این نهاد است. دولت خاتمی یک جور آن را اداره کرد و آقای احمدی‌نژاد هم آن را منحل کرد. سازمان برنامه و بودجه از زمان احمدی‌نژاد تاکنون احیای اسمی شده اما احیای واقعی نشده است. احیای واقعی این است که این سازمان در پهنه حکمرانی کارکرد خاصی دارد و مقامات به این کارکرد بی‌توجه‌اند چون تصمیماتی که برای آن گرفته می‌شود چیزی نیست که سازمان برای آن تشکیل شده باشد. دوستان سازمان بودجه در حد ادبیات ساده‌ای معنی کرده‌اند که کارش این است به یک نهاد فلان قدر بودجه بدهد به یکی بیشتر و به یکی کمتر. زمانی هم که گفته می‌شود اصلاح ساختار بودجه صرفاً در حد چند اقدام همچون گران کردن حامل‌های انرژی به آن نگرسته می‌شود. باید ببینیم اساساً بودجه‌ریزی به‌عنوان یک ماشین می‌تواند راه‌برود، در چه سمتی می‌خواهد حرکت کند. این ماشین به دلایل متعدد خراب شده است. یکی از آنها نیروی انسانی است. مثلاً فردی که پنج سال هم سابقه ندارد به‌عنوان نیروی شرکتی در سازمان فعالیت کرده در بودجه‌ریزی نقش ایفا می‌کند اما کسی نمی‌تواند او را بابت اقدامات و تصمیماتش پاسخگو کرده‌وبه هیات تخلفات معرفی کند؛ چرا که اساساً کارمند دولت محسوب نمی‌شود. ماهیت این سازمان این است که نه مال دولت است و نه مال مجلس برای همین است که همواره از جانب نهادهای دولتی طرد شده و بد ماجرا بوده است. در شرایط تنگنای اقتصادی